

سه نوع زندگی و دکتر امیرحسین آریان پور

«در یادمان هفتمین سالگرد درگذشت استاد»

مارتین سلینگمان پایه‌گذار روان‌شناسی مثبت‌اندیشی، در کتاب «شادکامی معتبر» سه نوع زندگی و سطح شادکامی را شناسایی می‌کند:

زندگی خوش

در این نوع زندگی فرد به دنبال زندگی شخصی و راضی کردن لذت‌های شکمی و جنسی خویش است. صرف غذایی خوش مزه، تسکین غریزه جنسی و تامین دیگر نیازها او را به وجد می‌آورد. به قول خودش حق‌اش را از زندگی باید بستاند و هرگز نباید سرش بی‌کلاه بماند.

او به طور کلی آدم واقع‌گرایی است و خود را به خوبی با واقعیت‌ها تطبیق می‌دهد و از وضع موجود به نفع خود سود می‌جوید و به نان و آب و مقام و ثروتی می‌رسد. او برای تغییر شرایط اجتماعی خود را به درد سر و زحمت نمی‌اندازد و دارای طرحی نو و آرمانی سیاسی و اجتماعی نیست. در بهترین شکل‌اش می‌کوشد گلیم خود و خانواده‌اش را از آب بیرون بکشد. او در مجموع از نظر فردی آدم موفق و شادی است و در ضمن باید گفت که ضد اجتماع و ضد اخلاق هم نیست.

زندگی خوب

فرد در این نوع زندگی در یکی از عرصه‌های مهم زندگی اجتماعی، فرهنگی، هنری و ورزشی به فعالیت و چالش می‌پردازد و به پایگاه، نام و پاداشی می‌رسد. مثلاً او می‌کوشد در شاخه‌ای از ورزش، مانند فوتبال ستاره شود. این تلاش مثبت او را به شهرت و پاداشی در خور می‌رساند و نسبت به فرد اول شادی و رضایت بیش‌تری به دست می‌آورد.

کس دیگری به ترجمه یا تالیف دست می‌یازد و برای خود آبرویی دست و پا می‌کند و ممکن است به نان و مقامی هم برسد. در هر حال، نسبت به فرد اول گامی به جلو برداشته. مثبت‌تر زندگی کرده و شادی و رضایت بیش‌تری فراچنگ آورده است.

فرد دیگری در یکی از شاخه‌های هنر استعداد، توانایی و پشتکار خوبی دارد. سال‌ها کار و تمرین می‌کند، رنج می‌برد، تلاش می‌کند تا سرانجام مثلاً در رشته‌ای هنر بازیگری، به نام و پایگاه و مقامی می‌رسد و رشک و حسادت افراد نوع اول را بر می‌انگیزد: «ای کاش من جای او بودم! خوش به حال او» ولی در هر صورت محور زندگی هنوز فرد و موفقیت فردی است.

زندگی معنادار

در زندگی معنادار، فرد به زندگی معنای جدید و گسترده‌ای می‌بخشد. او می‌کوشد از طریق علم به مردم خدمت کند. مثلاً دکتر فردیک بانتینگ کانادایی پس از سال‌ها پژوهش و کار در آزمایشگاه در سال ۱۹۲۲ انسولین را کشف می‌کند و جان میلیون‌ها انسان را از مرگ و رنج بیماری نجات می‌دهد. خدمت او موجب می‌شود میلیون‌ها انسان مبتلا به دیابت زندگی خود را سامان دهند و از عوارض دردناک آن دور بمانند و از زندگی لذت ببرند. دکتر بانتینگ حتا پاداش مالی جایزه‌ی نوبل‌اش را به آزمایشگاه می‌بخشد تا تحقیقات در این زمینه ادامه پیدا کند.

فرد دیگری می‌کوشد از طریق علم سیاست و شرکت فعال و عاشقانه در مبارزات سیاسی کشورش مردم را به رفاه و ترقی، آزادی و عدالت اجتماعی بیش‌تری برساند. ممکن است در این راه به زندان بیفتد، شکنجه شود و یا منصوروار به دار آویخته شود، ولی در چنین وضعی او بالاترین سطح شادمانی و رضایت از زندگی را احساس می‌کند. افرادی که به زندگی معنای بخشند، آرمان‌گرا هستند و می‌خواهند دنیا و مردم دنیا را مطابق آرمان‌های پاک و والا و انسانی خودشان بسازند. آنان طرحی نو در سر و عشقی بزرگ در دل و جان خود دارند. آنان می‌کوشند فلک را سقف بشکافند و طرحی نو در اندازند.

آرمان‌گرا آرام و قرار ندارد. او سخت تلاش می‌کند، رنج می‌برد و هرگز از پانمی‌نشیدن تا طرح نوی خود را در جامعه و دنیا پیاده کند. او عاشق آبادانی، آزادی، عدالت، برابری و رفاه و آسایش مردم است. او در مبارزه، در اهداف و راه خود پایدار و خستگی‌ناپذیر است.

همه‌ی پیامبران، انقلابی‌های راستین، مبارزان پرشور و صادق راه آزادی و عدالت در این گروه جای دارند. گاندی، مصدق، امیرکبیر، ستارخان‌ها، نلسون ماندلا، چه‌گوارا به زندگی معنا و اعتبار می‌بخشند. اگر چه تعداد آن‌ها اندک است ولی همین اندک برکت‌کری زمین است. آنان همه خورشید حیات بخش‌اند، تاریکی و نادانی را از میان بر می‌دارند و به جای آن نور و گرما و دانایی می‌پراکنند.



دکتر امیرحسین آریان‌پور هم یکی از این اندک‌ها بوده است. این زیبا اندیش نامیرا، در سال ۱۳۰۳ خورشیدی پا به عرصه‌ی هستی نهاد و در هشتم مرداد ۱۳۸۰ پرواز جاودانه‌اش را به بی‌کرانه‌ها آغاز کرد. وجود او به راستی تجسم معنا و معنویت بود. وسعت آگاهی‌های علمی و فروتنی و عظمت روحی‌اش شگفت‌انگیز می‌نمود. او با جهل و ستم سرآشتی نداشت و یک لحظه از نبرد دلاورانه با آن‌ها آرام نمی‌گرفت. سختی‌ها را به جان می‌خرید و یک لحظه از آموختن و آموزندان باز نمی‌ایستاد. داشتن دکترای جامعه‌شناسی، ادبیات، فلسفه و دانستن استادانه‌ی چندین زبان زنده‌ی دنیا او را راضی نمی‌کرد. او همه‌ی این دانایی‌ها را نه برای فخر فروختن، بل که برای مبارزه با جهل و خرافه‌ها و سلطه‌گران می‌خواست. او دانسته‌ها و داشته‌هایش را بی‌دریغ در اختیار شاگردان و دوستان‌اش قرار می‌داد. او در مقابل دوست و رفیق خاک راه بود. آثار او مانند «در آستانه‌ی رستاخیز»، «زمینه‌ی جامعه‌شناسی»، «جامعه‌شناسی هنر» و... ترجمه‌های او مانند «تاریخ تمدن» (جلدهای چین، ژاپن، یونان)، «سیر فلسفه در ایران»، «دشمن مردم» (هنریک ایبن) و... همه آثاری ارزنده و مانده‌گار هستند.

انتشار فرهنگ پنج زبانه‌ی علوم اجتماعی و روان‌شناسی‌اش تاثیر بسیار شگرفی در آینده علوم و فرهنگ ما خواهد داشت. سال‌ها است با سرپرستی همسرش خانم هما بهبهانی و با کمک دوستان و علاقه‌مندان‌اش، مجموعه مراحل پایانی را برای چاپ سیری می‌کند، برای چاپ این فرهنگ بسیار بزرگ راه سخت و ناهمواری در پیش رو است. همه ارزو داریم حاصل کار عاشقانه‌ی تهیه‌کننده‌گان این فرهنگ هر چه زودتر به بار بنشینند و بر همه‌ی سدها و مشکل‌ها فایز آیند.

یاد و خاطره‌ی این آموزگار معنوی ما و هزاران انسان فرهیخته‌ی دیگر گرامی و عزیز باد ■